

## اثربخشی مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه بر بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شهر اصفهان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۸

سیدرضا جوادیان<sup>۱</sup>

غنچه راهب<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** این بررسی با هدف بررسی اثر مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه بر بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شهر اصفهان انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی و جامعه آماری شامل کلیه افراد ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن اصفهان می‌باشد که ۶۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای و پس از اجرای مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب انتخاب شده و در دو گروه آزمایشی (مداخله و مداخله با حضور افراد الگو) و یک گروه کنترل جایگزین شدند. گروه‌های مداخله طی ۸ جلسه در دوره مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه شرکت کردند. داده‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون وجود دارد، یعنی مددکاری گروهی باعث افزایش نمرات رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شده است. از طرفی میانگین نمره رفتارهای اجتماعی مطلوب گروه مداخله با حضور افراد الگو نیز به طور معنی‌داری بیشتر از گروه مداخله بدون حضور افراد الگو بود.

**نتیجه‌گیری:** بنابراین، می‌توان گفت که مددکاری گروهی به شیوه مدل توسعه و با حضور افراد الگو می‌تواند الگوی اثربخشی برای بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب تلقی شود.  
**واژه‌های کلیدی:** رفتار اجتماعی مطلوب، مددکاری گروهی.

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه یزد، srj699@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

## **The effectiveness of social work group based on the development approach on improving prosocial behaviors of youth's in Isfahan**

**Javadian, S. R.**

**Raheb, GH.**

### **Abstract**

**Introduction:** The main purpose of this study was the effectiveness of social work group based on the development approach on improving prosocial behaviors.

**Method:** 60 young males and females living in Isfahan were selected through proportional cluster sampling method and by using Prosocial Tendencies Measure Revised. They were randomly selected in two experimental and one control group. Members of experimental groups participated in social work group 8 sessions. Data was analyzed by factor analysis and analysis of covariance.

**Results:** The results showed significant difference between mean scores of experimental and control groups. The social work group based on the development model increased the scores of prosocial behaviors. Also the mean score of experimental group with pattern person was significantly higher than other experimental group who there was no pattern person.

**Keywords:** Prosocial Behavior, Social Work Group.

## مقدمه

در دهه اخیر، کشور ما شاهد تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده است. این تغییرات شرایطی را فراهم کرده که تغییر جهت‌گیری‌های ارزشی یا فاصله گرفتن و تفاوت نسل‌ها از جمله پیامدهای چنین شرایطی است. تغییر ارزش‌ها نیز به نوبه خود به تغییر مناسبات اجتماعی و تغییر نظام اجتماعی منجر می‌شود (پهلوان، ۱۳۸۶) و از طرفی تأثیر مهمی بر روابط بین فردی و روان‌شناسی افراد خواهد داشت. به زعم عظیمی هاشمی (۱۳۷۷) شرایط اجتماعی - اقتصادی حاکم بر کشور باعث اولویت دادن به ارزش‌های مادی شده و متأسفانه تمایل به بی‌تفاوتی در شهرهای بزرگ در حال افزایش است و طی آن شهروندان کمتر تمایل دارند در گرفتاری‌ها و مشکلات دیگران مداخله کنند. به همین خاطر اخیراً محققان بر تعیین رفتارهای مثبت متمرکز شده‌اند که بالقوه می‌تواند مانع رخداد موقعیت‌های پرخاشگری، خشونت و بی‌تفاوتی شود. این رفتارهای کمک‌رسان به عنوان رفتارهای اجتماعی مطلوب تعریف شده‌اند (کشول، اسکینر و اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ گرینر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ لفلر و اسنو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

رفتارهای اجتماعی مطلوب نشان می‌دهند که افراد بشر چه قدر یاری‌رسان هستند و چگونه و با چه انگیزه‌هایی در شرایط عادی و اضطراری به کمک دیگران می‌شتابند. امروزه واژه‌های «رفتار توأم با کمک‌رسانی»، «رفتار اجتماعی مطلوب» و «نوع دوستی» اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌روند، درحالی که آنها را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. رفتارهای اجتماعی مطلوب در منابع مختلف تعاریف متنوعی دارند. با این حال، برای این تعاریف اساس مشترکی وجود دارد. این رفتارها به عنوان اعمالی در جهت کمک یا نفع‌رسانی به شخص دیگر تعریف و غالباً به صورت کمک کردن، مشارکت کردن، قرض دادن یا سهیم شدن، آرام کردن دیگران، اهداء کالا یا پول، فعالیت‌های داوطلبانه، حمایت از فرد هنگام خطر (مراقبت کردن)، همدلی و همدردی و کمک‌رسانی ابزاری<sup>۴</sup> توصیف می‌شوند (مک‌کینلی و کارلو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان چهار نوع رفتار اجتماعی مطلوب را معرفی نمود که عبارتند از: رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع دوستانه<sup>۶</sup>، رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز<sup>۷</sup>، رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی<sup>۸</sup> و رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی<sup>۹</sup>. رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع دوستانه تحت عنوان کمک داوطلبانه به دیگران به دلیل نگرانی نسبت به رفاه و نیازهای

<sup>1</sup> Cashwell, Skinner & Smith

<sup>2</sup> Greener

<sup>3</sup> Leffler & Snow

<sup>4</sup> instrumental helping

<sup>5</sup> Mckinley & Carlo

<sup>6</sup> Altruistic prosocial behaviors

<sup>7</sup> Compliant prosocial behaviors

<sup>8</sup> Emotional prosocial behaviors

<sup>9</sup> Public prosocial behaviors

آنها تعریف شده است که به واسطه پاسخگویی از روی همدردی، هنجارها و اصول درون‌سازی شده ثابت برای کمک به دیگران بروز می‌یابد (آیزنبرگ و فابس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). علاوه بر آن، فرد یاری‌رسان برای کمک به دیگری متحمل برخی هزینه‌ها می‌شود. رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز تحت عنوان یاری‌رسانی به دیگران در پاسخ به درخواست کلامی یا غیرکلامی تعریف شده است (آیزنبرگ، کامرون، ترایان و دادز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱). رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی تحت عنوان تمایل به یاری رساندن به دیگران تحت شرایط هیجانی تعریف شده است (هافمن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲؛ کارلو<sup>۴</sup> و رندال، ۲۰۰۲) و رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی در حضور دیگران به دلیل کسب تأیید، احترام و افزایش ارزش فردی صورت می‌گیرد (برمستر، گولدفارب و کانتزل<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲).

بروز رفتارهای مطلوب اجتماعی در زندگی روزمره در تضاد شدید با نظریه‌هایی قرار دارد که بر اساس انگیزه‌های خودخواهانه، لذت‌طلبانه و انتخاب منطقی استوارند. مایرز<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) در تبیین اینکه چرا رفتار اجتماعی مطلوب شکل می‌گیرد و هدف آن چیست، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی را مطرح می‌کند. یکی از این تبیین‌ها فرض می‌کند که تعاملات انسانی توسط اصول اقتصاد اجتماعی هدایت می‌شوند. فوآ و فوآ (۱۹۷۵)، به نقل از مایرز (۲۰۰۵) معتقدند که ما علاوه بر تبادل پول و کالاهای مادی، بلکه کالاهای اجتماعی مثل عشق، خدمات، اطلاعات و شأن و منزلت اجتماعی را هم مبادله می‌کنیم. برای انجام این کار از یک راهبرد حداقل - حداکثر<sup>۷</sup> استفاده می‌کنیم، بدین صورت که هزینه‌ها و مخارج را به حداقل و پاداشها را به حداکثر می‌رسانیم.

پاداش‌های برانگیزاننده رفتار مطلوب ممکن است درونی یا بیرونی باشند. زمانی که تجار پولی اهداء می‌کنند تا وجهه شرکتشان را بالا ببرند یا زمانی که یک نفر فرد دیگری را سوار می‌کند به این امید که دوستی پیدا کند یا از او قدردانی شود، پاداش بیرونی است، یعنی فرد چیزی می‌دهد تا چیزی بگیرد. اما گاهی پاداش درونی است، زیرا یاری رساندن احساس خودارزشمندی و رضایت درونی فرد را افزایش می‌دهد و احساس خوبی را نسبت به خود در وی ایجاد می‌کند. این مسئله می‌تواند توجیه کند که چرا گاهی افراد در حق غریبه‌ای که هرگز او را نخواهند دید لطف و مهربانی می‌کنند.

تبیین دیگر و تا اندازه‌ای متفاوت درباره رفتار مطلوب این است که یاری‌رسانی صرفاً به دنبال همدلی با فرد نیازمند و با انگیزه نوع‌دوستی انجام می‌گیرد. مبنای این فرضیه آن است که همدلی موجب رفتار نوع‌دوستانه می‌شود. طبق این نظریه، همدلی در فرد شاهد یک موقعیت اضطراری برانگیخته می‌شود و این انگیزه او را وادار به دخالت و ارائه کمک می‌کند. البته به این خاطر که کمک به دیگران خوشایند است و شخص از این کار احساس خوبی پیدا می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵).

<sup>1</sup> Eisenberg & Fabes

<sup>2</sup> Eisenberg, Cameron, Tryon & Dodez

<sup>3</sup> Hoffman

<sup>4</sup> Carlo & Randall

<sup>5</sup> Buhrmester, Goldfarb & Cantrell

<sup>6</sup> Mayers

<sup>7</sup> Minimize-maximize

نظریه نوع‌دوستی متقابل که توسط تریورز<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) مطرح شده است، به شرح و تفسیر رفتارهای اجتماعی مطلوب در میان دوستان و همسایگان می‌پردازد. نوع‌دوستی متقابل هنگامی به معنای واقعی مطرح می‌شود که جوامع اقدام به ایجاد و ارتقاء فضای سرشار از همکاری کرده و این امکان را فراهم کنند که به مرور زمان بین انسانهایی که ظاهراً با یکدیگر بیگانه هستند، روابطی توأم با اطمینان و اعتماد برقرار شود (ولاند<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). این همکاری متقابل در شبکه‌ای از دوستان صمیمی ایجاد شده و گسترش می‌یابد (هیند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). از دیدگاه آنان اصل همکاری متقابل به مثابه یک قرارداد اجتماعی خواهد بود که همه افراد به طور ضمنی و آشکار خود را متعهد به اجرای آن می‌دانند.

الگوهایی که به توانمند و بانفوذ بودن شهرت دارند، بیش از کسانی که چندان قدرتمند و تأثیرگذار نیستند قادرند توجه دیگران را به خود جلب کنند. در نتیجه، الگوهای توانمند بیش از دیگران قادرند در القاء رفتارهای اجتماعی مطلوب مؤثر باشند (گروسک<sup>۴</sup>، ۱۹۷۱). عواملی که توجه انتخابی مشاهده کننده را هدایت می‌کنند و منجر به انتخاب وی می‌شوند با فراگیری از طریق مشاهده ارتباط نزدیک دارند، زیرا در شرایط و موقعیت‌های روزمره، تأثیرات دیگری هم هستند که به طور همزمان توجه وی را به خود معطوف می‌سازند. ظاهراً الگوهای زنده و ویدئویی نیز می‌توانند در انتقال رفتارهای اجتماعی مطلوب مؤثر باشند. این موضوع در یک سری مطالعات انجام شده توسط براین و والبک<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) تأیید شده است. پژوهش‌های بعدی توجه خود را به برنامه‌های تلویزیونی و اثرات اجتماعی مثبت آن بر کودکان معطوف کرده‌اند (کوتز، پوسر و گودمن<sup>۶</sup>، ۱۹۷۶؛ فردریچ و استین<sup>۷</sup>، ۱۹۷۵). بکرز و گراف<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) به منظور بررسی تأثیر آموزش بر چهار نوع از منابع انسانی و اجتماعی تحقیقی را بر روی خانواده‌های هلندی انجام دادند و دریافتند که بیشترین تأثیر آموزش بر شکل‌گیری سرمایه انسانی است. همچنین، آنها نشان دادند که توانایی شناختی سبب ترویج انواع رفتارهای اجتماعی مطلوب (به جز اهداء خون) می‌شود. با توجه به مطالب مذکور، هدف پژوهش حاضر بررسی اثر مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه بر بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شهر اصفهان است.

## روش

این مطالعه یک طرح نیمه‌آزمایشی به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون دوگروهی همراه با گروه کنترل در قالب یک برنامه تدوین شده جهت ارتقاء رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان بود. در این طرح، دو گروه آزمایشی (مداخله و مداخله با حضور افراد الگو) و یک گروه کنترل به صورت مجزا وجود داشت. در گروه

<sup>1</sup> Trivers

<sup>2</sup> Voland

<sup>3</sup> Hinde

<sup>4</sup> Grusec

<sup>5</sup> Bryan & Walbek

<sup>6</sup> Coates, Pusser & Goodman

<sup>7</sup> Friedrich & Stein

<sup>8</sup> Bekkers & Graaf

آزمایش اول متغیر مستقل مداخله آموزشی مبتنی بر مددکاری گروهی به شیوه توسعه و در گروه آزمایش دوم متغیر مستقل مداخله آموزشی مبتنی بر مددکاری گروهی به شیوه توسعه با حضور افراد الگو بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن مناطق شهر اصفهان بود که ۵۲۰ نفر از آنان (با میانگین سنی ۲۲/۹ سال) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای انتخاب شدند. پس از اجرای مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب تجدیدنظر شده، ۶۰ نفر از جوانانی که نمره مقیاس رفتار اجتماعی مطلوب آنها یک انحراف معیار کمتر از میانگین بود به صورت تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه آزمایشی (مداخله و مداخله با حضور افراد الگو) و یک گروه کنترل جایگزین شدند. یکی از اعضای گروه مداخله مردان و چهار نفر از اعضای گروه مداخله با حضور افراد الگو (۲ مرد و ۲ زن) بعد از جلسات دوم و سوم به دلایلی در سایر جلسات حاضر نشدند و لذا تعداد کل افراد مطالعه دوم به ۵۵ نفر کاهش یافت. بنابراین، ۱۹ نفر (۹ مرد و ۱۰ زن) گروه مداخله، ۱۶ نفر (۸ مرد و ۸ زن) گروه مداخله با حضور افراد الگو و ۲۰ نفر (۱۰ مرد و ۱۰ زن) گروه کنترل را تشکیل دادند. اعضای گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند و فقط از آنان در زمان مشخص ارزیابی پس‌آزمون به عمل آمد، اما اعضای گروه‌های مداخله بعد از اخذ رضایت کتبی، طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به مدت ۸ هفته، یک دوره مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه به منظور ارتقاء رفتارهای اجتماعی مطلوب را دریافت کردند. تنها تفاوت گروه مداخله با گروه مداخله با حضور افراد الگو در این بود که در گروه مداخله با حضور افراد الگو، هشت نفر (۴ مرد و ۴ زن) از جوانانی که نمره مقیاس رفتار اجتماعی مطلوب آنها، دو انحراف معیار بالاتر از میانگین بود به عنوان افراد الگو در مباحث گروه شرکت فعال داشتند. در نهایت سه هفته بعد از اتمام مداخله‌ها، پرسشنامه رفتارهای اجتماعی مطلوب مجدداً توسط شرکت‌کننده‌های کلیه گروه‌ها تکمیل گردید. در ادامه با استفاده از متون علمی و منابع مربوط به آموزش و ارتقاء رفتارهای اجتماعی مطلوب به ویژه نظریه نوع‌دوستی متقابل تریورز (۱۹۷۱) و الگوبرداری گروسک (۱۹۷۱) و همچنین رویکرد توسعه مددکاری گروهی، فنون و قالب جلسات مداخله گروهی بر اساس جدول ۱ تهیه و تدوین شد.

#### جدول ۱- سرفصل جلسات مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه

جلسه	هدف
اول	شکل‌گیری پایگاه ایمن برای اعضای گروه
دوم	حمایت از اعضای و تسهیل روابط بین آنان و تمرکز مباحث بر موضوع اصلی
سوم	طرح موضوع اصلی گروه (رفتارهای اجتماعی مطلوب)
چهارم	خودآشنایی و بیان تجارب اعضای در کمک کردن به افراد
پنجم	افزایش آگاهی و درک اعضا از انگیزه‌های رفتارهای اجتماعی مطلوب
ششم	افزایش احتمال بروز رفتارهای مطلوب در اعضا از طریق شناخت آنها از موانع بروز آن رفتارها
هفتم	سرمشق‌دهی (الگوهای رفتار مطلوب) به منظور افزایش احتمال بروز رفتار اجتماعی مطلوب
هشتم	توجه دادن اعضا به اهمیت رفتارهای اجتماعی مطلوب در جامعه

## ابزار پژوهش

مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب تجدیدنظر شده<sup>۱</sup>: فرم ۲۵ گویه‌ای این مقیاس توسط کارلو و رندال (۲۰۰۲) برای ارزیابی خودگزارشی از شش نوع رفتار اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان دانشگاه تدوین شده است. پایایی و روایی این مقیاس در ایران توسط کجباف، سجادیان و نوری (۱۳۸۹) مورد بررسی قرار گرفته است. در مطالعه مذکور ضریب آلفای کرونباخ مقیاس برابر با ۰/۸۶ و ضریب پایایی بازآزمایی آن برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

در پژوهش حاضر نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان دهنده برازش خوب مدل در تعیین عامل‌ها به شکل اولیه بیان شده بود. ضریب آلفای کرونباخ شش خرده‌مقیاس این پرسشنامه نیز عبارت بودند از: رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی (۰/۶۷)، رفتارهای اجتماعی مطلوب ناشناس یا گمنام (۰/۸۱)، رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی و اضطراری (۰/۶۸)، رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی (۰/۵۶)، رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز (۰/۶۳) و رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع‌دوستانه (۰/۵۵). همچنین، ضریب آلفای کل مقیاس برابر با ۰/۷۷ محاسبه شده و پایایی عوامل موجود در این پرسشنامه به شیوه بازآزمایی با فاصله زمانی سه هفته از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ به دست آمده است.

## یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین مقیاس
رفتار اجتماعی مطلوب ناشناس	۲۳/۶۲	۴/۷۲	۱۸	
رفتار اجتماعی مطلوب اضطراری	۸/۰۱	۱/۹۱	۶	
رفتار اجتماعی مطلوب هیجانی	۲۱/۵۵	۳/۹۳	۱۸	
رفتار اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز	۸/۰۳	۱/۷۳	۶	
رفتار اجتماعی مطلوب نوع‌دوستانه	۱۲/۷	۳/۸۲	۱۵	
رفتار اجتماعی مطلوب جمعی	۶/۷	۲/۹۷	۹	
رفتارهای اجتماعی مطلوب	۸۰/۶۳	۱۰/۹۲	۷۲	

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از میان مؤلفه‌های رفتارهای اجتماعی مطلوب

<sup>۱</sup> Prosocial Tendencies Measure Revised

«رفتار اجتماعی مطلوب ناشناس» و «رفتار اجتماعی مطلوب جمعی» دارای بیشترین (۲۳/۶۲) و کمترین (۶/۷) میانگین و «رفتار اجتماعی مطلوب ناشناس» و «رفتار اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز» دارای بیشترین (۴/۷۲) و کمترین (۱/۷۳) انحراف استاندارد هستند. همچنین، میانگین رفتار اجتماعی مطلوب در نمونه مورد مطالعه ۸۰/۶۳ است که با توجه به میانگین مقیاس (۷۲) بیانگر وجود میزان بالایی از رفتارهای اجتماعی مطلوب در جوانان شهر اصفهان می‌باشد. به منظور بررسی نرمالیت متغیر رفتار اجتماعی مطلوب، آزمون شاپیرووالک و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای هر دو جنس استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- آزمون نرمال بودن متغیر رفتار اجتماعی مطلوب در دو جنس

شاخص متغیر	جنس	کلموگروف- اسمیرنوف		شاپیرو- والک	
		آماره درجه آزادی سطح معنی‌داری	آماره درجه آزادی سطح معنی‌داری	آماره	درجه آزادی سطح معنی‌داری
رفتار اجتماعی مطلوب	زن	۰/۱۵۸	۲۸	۰/۰۷	۲۸
	مرد	۰/۱۵۶	۲۷	۰/۰۸۸	۲۷

بر اساس نتایج جدول ۳، هر دو آزمون نشان می‌دهند که نمونه موردنظر نرمال است. به منظور بررسی اثربخشی مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه در بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان از تحلیل کوواریانس استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل کوواریانس اثر مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه بر رفتار اجتماعی مطلوب جوانان

منبع تغییرات	شاخص مجموع مجذورات آزادی	درجه مجذورات	میانگین مجذورات	F	مقدار احتمال (P)	ضریب توان تأثیر آماری
مقدار ثابت	۷۰/۲۶	۱	۷۰/۲۶	۱۲/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۲۰۸
پیش‌آزمون	۵۸/۲۹	۱	۵۸/۲۹	۱۰/۴۴	۰/۰۰۲	۰/۱۸
گروه	۲۷۷۱/۲۴	۲	۱۳۸۵/۶۲	۲۴۸/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۹۱
جنس	۰/۰۰۳	۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۹۸	۰/۰۵
عامل گروه و جنس	۴/۴۲	۲	۲/۲۱	۰/۳۹۶	۰/۶۷۵	۰/۱۱
خطا	۲۶۷/۹	۴۸	۵/۵۸			
مجموع	۴۱۷۵۱۱	۵۵				



نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، نمرات پیش‌آزمون رابطه معنی‌داری با نمرات پس‌آزمون دارد ( $p=0/002$ )، اما پس از تعدیل اثر نمرات پیش‌آزمون، تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون وجود دارد ( $p<0/001$ ). لذا با توجه به میانگین‌های سه گروه مندرج در جدول ۴ می‌توان گفت که مددکاری گروهی به شیوه مدل توسعه باعث افزایش نمرات رفتارهای اجتماعی مطلوب در مرحله پس‌آزمون شده است. اندازه اثر عضویت گروهی ۰/۹۱ است، یعنی ۹۱ درصد از کل واریانس نمرات رفتار اجتماعی مطلوب در اثر تفاوت‌های گروهی به وجود آمده است. توان آماری یک، حاکی از قدرت بالای آزمون آماری در رد فرض غلط و کفایت حجم نمونه است. تأثیر جنس بر نمرات رفتارهای اجتماعی مطلوب معنی‌دار نیست، یعنی تفاوتی بین میانگین‌های پسران و دختران در جامعه وجود ندارد و تعامل معنی‌داری بین تأثیر عضویت گروهی و جنس وجود ندارد.

با توجه به معنی‌داری اثر تعاملی دو متغیر مستقل بعد از اصلاح به واسطه نمره‌های متغیر کمکی پیش‌آزمون از طریق آزمون مقایسه‌های چندگانه بونفرونی، مقایسه‌های دوتایی بین گروه‌ها انجام شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- مقایسه‌های چندگانه میانگین رفتارهای اجتماعی مطلوب در گروه‌ها

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین گروه (I-J)	انحراف استاندارد معنی‌داری	سطح درصدی	سطح اطمینان ۹۹ درصدی
مداخله	مداخله با حضور افراد الگو	-۷/۳۶ (*)	۰/۸۰۹	۰/۰۰۰۱	-۹/۳۶ -۵/۳۵
	کنترل	۱۳/۱۷ (*)	۰/۹۵	۰/۰۰۰۱	۱۰/۸۲ ۱۵/۵۳
مداخله با حضور افراد الگو	مداخله	۷/۳۶ (*)	۰/۸۰۹	۰/۰۰۰۱	۵/۳۵ ۹/۳۶
	کنترل	۲۰/۵۳ (*)	۰/۹۲	۰/۰۰۰۱	۱۸/۲۵ ۲۲/۸۲
کنترل	مداخله	-۱۳/۱۷ (*)	۰/۹۵	۰/۰۰۰۱	-۱۵/۵۳ -۱۰/۸۲
	مداخله با حضور افراد الگو	-۲۰/۵۳ (*)	۰/۹۲	۰/۰۰۰۱	-۲۲/۸۲ -۱۸/۲۵

\* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین میانگین گروه مداخله و گروه مداخله با حضور الگوها و همچنین گروه کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $p<0/001$ ). به این صورت که میانگین نمره

رفتار اجتماعی مطلوب گروه‌های آزمایش از میانگین نمره گروه کنترل به طور معنی‌داری بیشتر است و میانگین نمره رفتار اجتماعی مطلوب گروه مداخله با حضور الگوها نیز به طور معنی‌داری بیشتر از گروه مداخله بدون حضور الگوهاست، یعنی روش مددکاری گروهی با حضور افراد الگو بیشتر از روش مددکاری گروهی بدون حضور افراد الگو توانسته است میانگین تفاضل با گروه کنترل را در اعضاء گروه بالا ببرد و این تفاوت قابل توجه است. بنابراین، می‌توان گفت که مددکاری گروهی به شیوه مدل توسعه و با حضور افراد الگو به طور معنی‌داری رفتار اجتماعی مطلوب در جوانان را بهبود می‌بخشد و می‌تواند الگوی اثربخشی برای بهبود این رفتارها تلقی شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه با هدف بررسی اثر مددکاری گروهی مبتنی بر مدل توسعه بر بهبود رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شهر اصفهان نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون وجود دارد، یعنی مددکاری گروهی به شیوه مدل توسعه باعث افزایش نمرات رفتارهای اجتماعی مطلوب در مرحله پس‌آزمون شده است. از طرفی میانگین نمره رفتار اجتماعی مطلوب گروه مداخله با حضور افراد الگو نیز به طور معنی‌داری بیشتر از گروه مداخله بدون حضور الگوها بود که با یافته‌های پژوهش گروسک (۱۹۷۱)، رایس و گروسک (۱۹۷۵) و بکرز و گراف، (۲۰۰۵) همخوان است.

برای مثال، بکرز و گراف (۲۰۰۵) دریافتند که بیشترین تأثیر آموزش بر شکل‌گیری سرمایه انسانی است. همچنین، آنها نشان دادند که توانایی شناختی همه انواع رفتارهای اجتماعی مطلوب (به جز اهداء خون) را ترویج می‌دهد. بنابراین، در مطالعه حاضر نیز تلاش شد که از طریق آموزش و مباحثه گروهی بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب از طریق آگاهی دادن به شخص تسهیل شود. علاوه بر این، کوشش شد تأثیر حضور افراد الگو در گروه بر ارتقاء رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان بررسی شود.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که الگوبرداری در هر سن و سالی انجام می‌شود. نوجوانان و بزرگسالان قادرند در صورت لزوم، رفتارهای پیچیده و متوالی را تمرین کرده و مورد تقلید قرار دهند و می‌توانند به آموزش‌های لازم جهت الگوبرداری گوش داده و آن را فرا گیرند (بیرهوف، ۱۳۸۷، ترجمه صدقی‌نژاد). در پایان می‌توان گفت که مددکاری گروهی به شیوه مدل توسعه و با حضور افراد الگو رفتار اجتماعی مطلوب جوانان را بهبود می‌بخشد و می‌تواند الگوی مطلوبی برای بهبود این رفتارها تلقی شود.

## منابع

بیرهوف، هانس‌ورنر. (۱۳۸۷). *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه رضوان صدقی‌نژاد. تهران: نشر گل آذین.

- پهلوان، منوچهر. (۱۳۸۶). بررسی تغییرات ارزش‌ها و رابطه آن با شکاف نسل‌ها: مطالعه موردی شهرهای استان مازندران. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۱۵، ۱-۱۹.
- عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۷۷). *ارزش‌های اجتماعی و اولویت ارزشی در ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- کجیاف، محمدباقر، سجادیان، ایلناز و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۸، ۱۱۸-۱۰۱.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی: نظریه، مفاهیم و کاربردها*. تهران: انتشارات ارسباران.

Bekkers, R., & Graaf, N. D. (2005). Field of education and prosocial behavior. *Marktdag Sociologie*, 5, 312-320.

Bryan, J. H., & Walbek, N. H. (1970). Preaching and practicing generosity: Children's and adolescents. *Child Development*, 41, 329-353.

Buhrmester, D., Goldfarb, J., & Cantrell, D. (1992). Self-presentation when sharing with friends and nonfriends. *Journal of Early Adolescence*, 12, 61-79.

Carlo, G., & Randall, B. A. (2002). The development of a measure of prosocial behaviors for late adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 31, 31-44.

Cashwell, T. H., Skinner, C. H., & Smith, E. S. (2001). Increasing second-grade students prosocial behaviors via direct instruction, group reinforcement, and progress feedback: A replication and extension. *Education and Treatment of Children*, 24, 161-175.

Coates, B., Pusser, H. E., & Goodman, I. (1976). The influence of Sesame Street and Mister Rogers' Neighborhood on children's social behavior in the preschool. *Child Development*, 47, 138-144.

Eisenberg, N., & Fabes, R. A. (1998). *Prosocial development*. New York: Wiley.

Eisenberg, N., Cameron, E., Tryon, K., & Dodez, R. (1981). Socialization of prosocial behavior in the preschool classroom. *Developmental Psychology*, 71, 773-782.

Friedrich, L. K., & Stein, A. H. (1975). Prosocial television and young children: The effects of verbal labeling and role playing on learning behavior. *Child Development*, 46, 27-38.

Greener, S. H. (2000). Peer assessment of children prosocial behavior. *Journal of Moral Education*, 29, 47-60.

Grusec, J. E. (1971). Power and the internalization of self denial. *Child Development*, 42, 93-105.

Hinde, R. A. (2001). *Responsibility: A biological perspective*. London: Routledge.

- Hoffman, M. L. (1982). *Development of prosocial motivation: Empathy and guilt*. New York: Academic Press.
- Leffler, S., & Snow, S. T. (2001). School-based programs that reduce violence. *Reclaiming Children & Youth*, 9, 234-238.
- Macrae, C. N., & Johnston, L. (1998). Help, I need somebody: Automatic action and inaction. *Social Cognition*, 16, 400-417.
- Mayers, D. G. (2005). *Social Psychology*. Boston: McGraw-Hill.
- McKinley, M., & Carlo, G. (2007). Two sides of the same coin? The relations between prosocial and physically aggressive behaviors. *Journal of Youth & Adolescence*, 36, 337-349.
- Voland, E. (1999). *On the nature of solidarity*. Dordrecht: Kluwer.
- Weiner, B. (2001). *An attribution approach to perceived responsibility for transgressions: Extensions to child abuse, punishment goals and political ideology*. London: Routledge.